

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [بی بی سی فارسی](#)]

[تاریخ: ۳ خرداد ۱۳۹۵]

دشواری‌های بهایی بودن در ایران

فرشته قاضی

در حال حاضر ۷۲ تن از پیروان آیین بهایی در زندان‌های ایران زندانی هستند و ده‌ها بهایی دیگر با قرار وثیقه آزاد و یا در انتظار تشکیل دادگاه.

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، "ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند" و بهائیان شامل این قانون نمی‌شوند.

فریبا کمال‌آبادی، جمال‌الدین خانجانی، عقیف نعیمی، سعید رضایی، بهروز توکلی، وحید تیزفهم و مهوش ثابت مدیران سابق جامعه بهایی ایران هستند که بیش از هشت سال است در زندان به سر می‌برند. مهوش ثابت ۱۵ اسفند ۸۶ و شش نفر دیگر ۲۵ اردیبهشت ۸۷ بازداشت و ابتدا به ۲۰ سال حبس تعزیری محکوم شدند؛ اما دادگاه تجدیدنظر با حذف اتهاماتی نظیر جاسوسی و همکاری با دولت اسرائیل، حکم اولیه را نقض و آنها را به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم کرد. حکمی که دادستان کل کشور برخلاف شریعت تشخیص داده و مجدداً حکم به ۲۰ سال زندان داد.

فرهاد ثابتان، سخنگوی جامعه بهایی می‌گوید که سال گذشته با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، حکم مدیران سابق جامعه بهایی به ۱۰ سال کاهش یافته و آنها باید تا دو سال دیگر از زندان آزاد شوند.

این هفت نفر عضو گروهی بنام "یاران" بودند که سرپرستی جامعه بهایی در ایران را بر عهده داشت و طی ۸ سال گذشته از مرخصی محروم بوده‌اند. فریبا کمال‌آبادی تنها کسی است از میان آنها که هفته گذشته برای پنج‌روز به مرخصی آمد.

همزمان شاهین نگاری، نسیم باقری، آریتا رفیع‌زاده، کیوان رحیمیان، فواد مقدم، امان‌الله مستقیم، عزیزالله سمندری و پیمان کوشک‌باغی، هشت شهروند بهایی به دلیل همکاری با موسسه علمی بهائیان زندانی هستند. آریتا رفیع‌زاده و پیمان کوشک‌باغی، زن و شوهری هستند که در موسسه علمی بهائی تدریس می‌کردند، اما آنها تنها زوجی نیستند که در زندان به سر می‌برند.

به گفته فرهاد ثابتان، به‌غیر از مدیران سابق جامعه بهایی و همکاران موسسه علمی بهائیان، ۵۷ شهروند عادی بهایی در شهرهای مختلف ایران در زندان به سر می‌برند. فریبرز باغی و ناطقه نعیمی و همچنین ایمان رشیدی و شبنم متحد زوج‌های بهایی زندانی در زندان یزد هستند. در تهران اما الهام فراهانی در زندان اوین و همسرش عادل نعیمی به‌اتفاق فرزندشان شمیم نعیمی در زندان رجایی شهر زندانی هستند.

تعطیل کردن مغازه‌ها در روزهای تعطیل مذهبی بهائیان باعث فشار بر آنهاست

فرهاد ثابتان می‌گوید: "علت دستگیری و بازجویی و حکم‌های این شهروندان فقط و فقط باور آنها به آیین بهایی است. صدها مدرک قانونی که در دادگاه‌ها صادر شده کاملاً این امر را ثابت می‌کند. مثلاً یک دانشجوی از دانشگاه اخراج می‌شود به علت باور به آنچه که آنها می‌گویند فرقه ضاله بهائیت یا به زندان افتاده یا خانه‌اش مصادره شده یا حقوق

بازنشستگی‌اش معلق شده. تمام اینها نوشته می‌شود به علت باور به بهائیت. البته الآن سال‌ها است که دیگر این مدارک را دست کسی نمی‌دهند ولی از سال‌های اولیه انقلاب و دو دهه اول، صدها و هزارها سند وجود دارد که نشان می‌دهد تمام آنچه علیه بهائیان اتفاق می‌افتد صرفاً به خاطر باورشان است."

احکام سنگین شهروندان بهایی

ده‌ها شهروند بهایی دیگر با قرار وثیقه آزاد هستند، اما با احکامی سنگین مواجه‌اند. در استان گلستان ۳۲ نفر مجموعاً به ۲۳۸ سال زندان محکوم شده‌اند. وحید مشکانی فراهانی، وکیل این شهروندان بهایی می‌گوید: "در چند شهر مثل گرگان و گنبد، موکلین من با انتساب این مورد که رفتار شما یک رفتار مخل امنیت کشور است تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. اتهام آنها تشکیل و اداره گروهی که برانداز نظام و مبلغ علیه نظام است و همکاری با دول متخاصم، مشخصاً اسرائیل مطرح شده است."

او که به احکام صادره برای موکلانش اعتراض کرده می‌گوید: "در پرونده منعکس شده که اینها داخل خودشان یعنی درون گروهی سلسله مراتبی داشتند و در هر مرتبه افراد، وظایف و تکالیف خاصی در راستای همین اتهامات داشتند. کلیت اتهامات هم ناظر به تبلیغ بهائیت و جذب مسلمانان به بهائیت است. این در پرونده است. اما موکلین من اعتقاد دارند که هیچ‌کدام از رفتارهایشان تشکیلاتی نبوده، غالباً سازوکارها و مناسک مذهبی بوده که به موجب تدین به بهائیت لاجرم باید انجام می‌دادند منتهی از این رفتارها مثل سفرها یا جلسات دعا یا مهمانی که موکلان من می‌گویند صرفاً مهمانی یا سفر یا دعا بوده برداشت عمل تشکیلاتی شده."

به گفته آقای مشکانی فراهانی، "مرکز مقدس آئین بهائیت مستقر در جغرافیای امروز اسرائیل است و از این جهت بهائینی که در راستای مناسک دینی‌شان فعالیت می‌کنند، به اسرائیل منتسب می‌شوند و این در واقع پاشنه آشیل ماجرا است."

فرهاد ثابتان توضیح می‌دهد: "در شهرهای مختلف با چنین مسائلی مواجه هستیم. اگر یک شهروند بهایی در منزل خود مهمانی یا جلسه‌ای گرفته که جلسه دعا است یا جلسه‌ای که با دوستان خودش در منزل شخصی خودش صحبت می‌کند و احتمالاً کسانی که شاید علاقه دارند درباره دین بهائی اطلاع داشته باشند و به منزل این فرد می‌آیند که ببینند دین بهایی چیست، اینها را می‌گیرند که شما دارید تبلیغ بهایی می‌کنید و به این نحو دارید امنیت ملی را مختل می‌کنید. حتی اگر کسی هم تبلیغ بکند در ایران تبلیغ دین کار غیرقانونی نیست، تمامی میثاق‌های بین‌المللی و آزادی دیدگاه و آزادی باور و تبلیغ این باور را اجازه می‌دهد و در هیچ‌کدام از قوانین مدنی ایران گفته نشده که هیچ‌کسی نمی‌تواند درباره دین خود با کسی صحبت بکند و آگاهی برساند. افراد بهایی وقتی سؤال می‌شود که دین بهایی چیست جواب می‌دهند و توضیح می‌دهند ولی از سوی مقامات جمهوری اسلامی هرگونه صحبتی درباره آئین بهایی گناه و جرم محسوب می‌شود حتی بعضی آیت‌الله‌ها می‌گویند بهایی‌ها اگر بگویند من بهایی هستم جرم محسوب می‌شود."

به گفته آقای ثابتان، بهائیان از یک‌طرف می‌روند زندان و از طرف دیگر با وثیقه بیرون می‌آیند. "خیلی‌ها منتظر دادگاه هستند. کسانی که با وثیقه آزاد هستند تا ببینند چه حکمی می‌گیرند."

محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی

اما مشکل بهائیان ایران تنها زندان و صدور احکام سنگین نیست. محرومیت از تحصیل از مهمترین محرومیت‌های پیروان آئین بهایی است. فرهاد ثابتان به پلمپ مغازه‌های شهروندان بهایی به دلیل تعطیلی در روزهای مذهبی آنها اشاره می‌کند و می‌گوید: "اینها در روزهای تعطیل بهائی، یعنی تعطیلی مذهبی، مغازه‌های خود را می‌بندند، اما مسئولان می‌گویند که نباید به شعائر دینی خودتان عمل کنید و غیرقانونی است که مغازه شخصی خودتان را می‌بندید و می‌آیند پلمپ می‌کنند."

تخریب قبرستان‌های بهایی، عدم اجازه تدفین کسانی که درگذشته‌اند، مصادره اموال، عدم صدور پروانه کسب‌وکار و جلوگیری از استخدام شهروندان بهایی از دیگر محدودیت‌هایی است که بهائیان در ایران با آن مواجه هستند.

سخنگوی جامعه بهایی می‌گوید: "مهمترین حقی که بهائیان از آن محروم هستند، حق تحصیل است و دومین حقی که محروم هستند، حق اشتغال است. از اول انقلاب کسانی که در وزارتخانه‌های دولتی کار می‌کردند، اخراج شدند و بعد از آن هم کسی که بهایی است به هیچ‌وجه اجازه استخدام در وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی را ندارد. شرکت‌های

خصوصی هم یا اگر بدانند بهایی است استخدام نمی‌کنند یا اگر استخدام کنند مقامات به آن شرکت‌ها فشار می‌آورند که اخراج کنند. حق فعالیت اقتصادی چه به صورت استخدام چه به صورت کار آزاد از بهائیان گرفته می‌شود."

ازدواج شهروندان بهایی هم در ایران ثبت نمی‌شود. فرهاد ثابتان می‌گوید: "ازدواج دو مسیحی یا دو زرتشتی بر اساس شعائر دینی خودشان به رسمیت شناخته می‌شود ولی بهائی‌ها را می‌گویند یا باید عقد اسلامی بکنید یا نمی‌توانید ازدواج کنید. یعنی ازدواج بهایی‌ها در ایران به رسمیت شناخته نمی‌شود و هرکسی ازدواج می‌کند از دیدگاه فقه اسلامی غیر مشروع است و بعد تهمت‌های دیگری می‌زنند که ما ازدواج اینها را به رسمیت نمی‌شناسیم پس کارهای غیر مشروع می‌کنند."

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]